

مقدمه

مصونیت یکی از مسائل چالشی و مهم در حقوق دیپلماتیک به شمار می‌رود، از دهه 1370 (1990) تاکنون قوانین، رویه قضایی و دکتترین ناظر بر مصونیت دو روند متضاد را شاهد بوده‌اند:

1. ضرورت حمایت از مصونیت دولتی و دیپلماتیک که یکی از اصول حقوق بین‌الملل و تأیید شده در مقررات موجود (Lex lata) است. از این رو موارد ذیل را از آنجا که متضمن واکنش متقابل و اعتراض‌آمیز کشورمان در برابر نقض این اصل بوده است می‌توان از مصادیق حمایت از اصل مصونیت دانست:

- صدور آراء بسیار زیاد در پرونده‌های متعدد در دادگاه‌های امریکا و به طور عمده در دادگاه بخش ایالت کلمبیا با مطالبهٔ میلیاردها دلار خسارات مادی، معنوی و تنبیهی به بهانهٔ انتساب شبه‌جرمهای تروریستی به مقامات و نهادهای دولتی جمهوری اسلامی ایران در دههٔ 2000، نقض قاعده عرفی مصونیت تلقی و موجب واکنش متقابل قوه مقننه¹ و محاکم ایران در صدور آراء مطالبهٔ خسارت از دولت امریکا شد.

- صدور قرارهای توقیف در پروندهٔ کذابیه آمیا (انفجار مؤسسه تعاونی اسرائیل و آرژانتین) به دستور دادستانهای آرژانتینی و تأیید آنها از سوی قاضی تحقیق علیه مقامات جمهوری اسلامی ایران و در مرحلهٔ بعد، وارد کردن اتهام علیه دولت و مقامات جمهوری اسلامی ایران به وسیله قاضی تحقیق جدید، دکتر کورال، در سال 2006 که با اعتراض پلیس جنایی بین‌المللی (اینترپل) اخطار قرمز علیه سه نفر از مقامات دولتی کشورمان یعنی رئیس‌جمهور و وزیر خارجه و سفیرمان در سال 1994 (در زمان انفجار) به استناد اصل مصونیت غیر قابل پذیرش اعلام شد.²

2. ضرورت دگرگونی و اصلاح قوانین موجود³ تا سرحد لغو مصونیت و یا توسعهٔ حیطة و قلمرو استثنای مصونیت (قانون مطلوب) (lex ferenda). از این رو تشکیل بیش از ده پروندهٔ قضایی در فاصله سال‌های 1998-2001 علیه مقامات مهم دولتی خارجی در محاکم اروپایی (از جمله علیه نخست‌وزیر اسرائیل، قذافی، فیدل کاسترو، کیسینجر، وزیر خارجهٔ وقت امریکا، رئیس‌جمهور سابق ایران، حسن هابره، رئیس‌جمهور سابق چاد، وزیر خارجهٔ جمهوری کنگو) و در امریکا علیه رئیس‌جمهور زیمبابوه و

1. تصویب قانون صلاحیت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعوی مدنی علیه دولتهای خارجی مصوب 1378/8/28 و اصلاحات بعدی و آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور مصوب 1379/2/25 هیئت وزیران و بالاخره قانون جدید مجلس شورای اسلامی مصوب 1391/2/17.

2. در رأی‌گیری مجمع عمومی اینترپل (مراکش) در 7 نوامبر 2007. ایران کل اتهامات را بی‌اساس اعلام و آنها را دروغهای ساخته و بافته شده محافل صهیونیستی و امریکایی خوانده با اینکه بارها اعلام داشته است که رسیدگی قضایی و قرارهای صادر گردیده توسط دادستانهای آرژانتینی مغایر و ناقض اصل مصونیت دولتی و دیپلماتیک و تعهدات آن دولت می‌باشد. مع‌هذا برای اثبات حسن نیت خود و نشان دادن روحیه همکاری اعلام می‌داشت که قانون مجازات اسلامی به موجب ماده 6 اجازه رسیدگی به اتهامات را در مراجع قضایی ایران براساس مستندات ارائه شده اعطا کرده است.

ماده 6 قانون مجازات اسلامی ایران (مرداد 1370): هر جرمی که... و یا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می‌شوند و همچنین هر جرمی که مأموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند مرتکب گردند، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شوند.

3. و به تبع آن، لزوم رسیدگی قضایی و صدور رأی و عدم پذیرش ایراد عدم صلاحیت، به استناد اصل مصونیت که مقرر می‌دارد: هیچ دولتی براساس اصل تساوی تابع اعمال صلاحیت دولت دیگر نمی‌باشد (Par in parem non habet imperium).

رئیس‌جمهور سابق چین کمونیست،¹ مصادیق قضایی به چالش کشاندن اصل مصونیت مقامات دولت خارجی در محاکم داخلی‌اند.

با بررسی این دیدگاهها از نگاه جمهوری اسلامی ایران، وظیفه کمیسیون حقوق بین‌الملل باید انتخاب کدام گزینه باشد؟ تلاش برای حمایت از اصل مصونیت از جمله از راه مکتوب کردن قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در این زمینه و یا دفاع از تحول آن؟

از یکسو در جهان کنونی که سیل اتهامات ناروا و پرونده‌های ظالمانه علیه کشورمان مفتوح و همچنان در حال تشکیل است، آن هم با تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور مادی و حیثیتی، مصلحت ما در حمایت از اصل مصونیت نهفته است؛ با توجه به اینکه قانون اساسی ما برای هیچ‌کس مصونیتی در قبال ارتکاب جرم قائل نشده است. در این میان شگفت‌انگیز نیست بگوییم که آراء محاکم امریکایی سیاسی بوده‌اند، چراکه نسبت به پرونده‌های مربوط به مقامات برجسته دیگر کشورها، آنجا که به کشور خودمان مربوط می‌شود به عدم پذیرش اصل مصونیت استناد می‌شود، اما آنجا که به رژیم اسرائیل مربوط می‌گردد از پذیرش اصل مصونیت سیاسی حمایت می‌شود. بنابراین تردیدی وجود ندارد که آراء دادگاههای آنها علیه مسئولان دولتی ایران، آن هم با مقرر کردن مجازاتهای چند صد میلیون دلاری از بابت خسارات تنبیهی - علاوه بر خسارات مادی و معنوی - برای هر پرونده و یا به اصطلاح کیفرخواستِ دادستانهای آرژانتینی و موافقت قاضی تحقیق در پرونده انفجار آمیا (مؤسسه تعاونی اسرائیل و آرژانتین) آراء سیاسی بوده و نه حقوقی.

بنابراین، این‌گونه آراء نمی‌توانند پایه شکل‌گیری قاعده عرفی و رویه قضایی بین‌المللی و به اصطلاح به عنوان عرف بین‌الملل شناسایی و اعلام شوند.

البته این پرسش درست است که چگونه می‌توان از حیث اعمال صلاحیت محاکم خارجی «ونه بین‌المللی» بین قواعد انتساب مسئولیت دولتی با مصونیت دولتی که متضمن نوعی عدم مسئولیت رفتاری است، تعادل برقرار کرد؟ مثلاً بگوییم اعمال تصدی (acta jure gestionis) در محاکم ملی مشمول اعمال قاعده مسئولیت دولتی است. یا اینکه بگوییم چنانچه اعمالی از مصادیق اعمال حاکمیت دولتی تلقی شوند، آن را مشمول مبنای مادی مصونیت می‌شناسیم یا بگوییم فقط در خصوص ارتکاب جنایت شدید بین‌المللی اصل مصونیت اجرا نخواهد شد. زیرا چگونه می‌توان بی‌تفاوتی و بی‌کیفری را نسبت به جنایات زورگویان بین‌المللی، به ویژه سران اسرائیل، در مواجهه با حقوق بنیادین مظلومان فلسطینی توجیه کرد؟ آنهایی که مصداق واقعی آیه *إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ... وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً* (مجازات کسانی که... در فسادانگیزی در زمین می‌کوشند) هستند.²

اما از طرف دیگر چگونه می‌توان نسبت به اجرای محاکمه منصفانه در رسیدگیهای قضایی داخلی در پرونده جرایم و جنایات فاحش، آن هم در جهان سخت سیاسی کنونی، اطمینان حاصل کرد؟ در صورت لغو یا عدم اعمال اصل مصونیت چه تضمینهای بین‌المللی برای اجرای عدالت و یا عدم ایجاد تنش در روابط بین‌المللی وجود دارد؟

1. در روسیه نیز همین روند آغاز شد. اما در سال 2005 دادستان کل روسیه سفر نخست وزیر وقت اوکراین را به دلیل مصونیت دولتی بلامانع اعلام کرد.

2. مانده/33.

واقعیت مهم اینجاست که نمی‌توان تأثیر منافع ملی را بر قواعد آیین‌نامه‌های شکلی و ماهوی حتی از حیث اعمال صلاحیت کیفری مراجع بین‌المللی و نه داخلی نادیده گرفت؛ برای مثال در حالی که ماده 27 اساسنامه دیوان کیفری اصل عدم تأثیر سِمَت رسمی بر صلاحیت دیوان را تأیید می‌کند، ماده 16 اساسنامه استثنای مصونیت را بنا به قطعنامه شورای امنیت در اجرای فصل هفتم منشور یعنی زمانی که صلح و امنیت بین‌المللی مورد تهدید یا نقض قرار گیرد، برای مدت 12 ماه قابل تمدید می‌داند و بدون محدودیت می‌پذیرد: «چنانچه قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت در اجرای فصل 7 منشور ملل متحد صادر شود و از دیوان درخواست شود تا تحقیق یا تعقیب را معلق نماید، هیچ تحقیق یا تعقیبی به موجب این اساسنامه نمی‌تواند به مدت 12 ماه شروع شود یا ادامه یابد. این درخواست به موجب همان شرایط قابل تجدید توسط شورای امنیت می‌باشد».

این ماده علی‌رغم مخالفت کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با فشار آمریکا در اساسنامه درج شد. ماده‌ای که مغایر استقلال قضایی دیوان است.

آمریکا از موضع منافع ملی همین فشار را بر شورای امنیت وارد ساخت تا از آن طریق دیوان را مجبور کند مصونیت قضایی نیروهای حافظ صلح را که از کشورش تشکیل شده بود، تحت عنوان اینکه آمریکا عضو دیوان نمی‌باشد، محترم بشمارد.¹

در سالهای 2002-2005 آمریکا فراتر از این رفت و با تحمیل بسیاری از موافقت‌نامه‌های دوجانبه و تهدید کشورهایی که حاضر به امضا نبودند، موافقت‌نامه‌هایی را با کشورهای آسیایی، آفریقایی، اروپایی و آمریکای لاتین منعقد کرد که به موجب آنها تحویل (یا استرداد) اتباع آمریکایی، پرسنل نظامی، مقامات پیشین یا کنونی دولت آمریکا به دیوان کیفری منع گردید.²

کتاب *اسلام و حقوق دیپلماتیک* نوشته برادر عزیز آقای محمدحسین پورامینی می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد؛ به ویژه که پژوهشگر توانسته است کتابی را به رشته تحریر درآورد که در بررسی حقوق دیپلماتیک از منابع اسلامی به طور مستوفی بهره جسته و در این زمینه از جمله اولین آثار است. نگارنده این سطور به خوبی واقف است که جمع‌آوری این‌گونه منابع تا چه حد زحمت‌افزا و در برخی مواقع طاقت‌فرساست و خوشحالم که اینک این تلاش به ثمر رسیده و به زیور طبع آراسته شده است. با این آرزو که مقایسه و تطبیق دیدگاه‌های حقوقی غرب با اسلام انگیزه محققان اسلامی را برای حضور فعال در مراجع و محافل مسئول تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل بیش از پیش فزونی بخشد.

والسلام علی من اتبع الهدی

علیرضا دیهیم

1. ر. ک. چهار مقاله برگزیده از همایش استرداد مجرمین، علیرضا دیهیم، «نقش سازمانهای بین‌المللی در استرداد مجرمین»، ص 33-34، پلیس بین‌الملل ناچا، 1388ش؛ سخنرانی نگارنده در سال 1386 در دانشگاه علوم انتظامی و مجله حقوقی مرکز حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره 32، مقاله استان کارستن، 1384ش.

2. ر. ک. مقاله اینجانب در مجله انگلیسی سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه و گزارش نگارنده در: *Yearbook of the Asian African Legal Consultative Organization (AALCO)*, vol. II (2004), pp. 201-202 & 213-214.

آغاز سخن

ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی یکی از حوادث مهم تاریخی به شمار می‌آید؛ چراکه رسالت خویش را جهانی معرفی کرد و هدایت بشریت به سوی حق را عهده‌دار شد. از این رو در نظام حقوقی اسلام روابط دیپلماسی و حقوق دیپلماتیک جایگاهی ویژه می‌یابد، تا آنجا که سفارت و اصل دیپلماسی از مهم‌ترین آموزه‌های دینی و الهی به شمار می‌رود.

بدون شک پیامبران در مقام سفیران الهی در تمدن‌آفرینی، توسعه روابط اجتماعی و بین‌المللی و ترویج فرهنگ عدالت‌خواهی نقشی برجسته داشته‌اند: **لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**.¹

دیپلماسی در حکومت نبوی تجلی خاصی دارد. منظور از دیپلماسی پیامبر ﷺ - که آخرین سفیر الهی است - فعالیتها و اقداماتی است که ایشان در جایگاه رئیس حکومت اسلامی و نیز سفیران برگزیده با هدف تحقق خط‌مشیهای کلی دولت اسلامی در عرصه روابط بین‌الملل انجام داده است. در حقیقت اهداف عالی و خطوط کلی سیاست اسلام و منافع امت اسلامی، دیپلماسی پیامبر ﷺ را جهت می‌بخشد.²

رسول اکرم ﷺ در مدت رسالت و حکومت خویش، سفیرانی را نزد سران دیگر کشورها فرستاد و سفیرانی را از کشورهای دیگر به حضور پذیرفت. وی در اعزام و پذیرش سفیر تشریفات خاصی را رعایت می‌کرد. بدون شک سیره آن حضرت در روابط بین‌الملل و حقوق دیپلماتیک نکاتی ارزنده و الهام‌بخش را یادآور می‌شود.

اسلام در روابط بین‌الملل اصول و مقرراتی گسترده دارد. از این رو فقیهان اسلامی در آثار فقهی خویش در ابوابی چون «کتاب الجهاد» و یا در کتبی با عنوان «سیر»³ به بیان این اصول پرداخته‌اند. بخشی از این آثار که در سده‌های آغازین نگاشته شده، عبارت است از:

کتاب الخراج نوشته قاضی ابویوسف (113-182 ه. ق). بسیاری از نویسندگان او را نخستین فقهی می‌دانند که به تدوین فقه سیاسی پرداخت.⁴

کتاب المجموع نوشته زید بن علی (شهادت 122 ه. ق). این کتاب دومین کتاب فقهی سیاسی است⁵ که

1. حدید/25: «به راستی (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و میزان سنجش را فرستادیم تا مردم به عدالت قیام کنند».

2. ر.ک.: عمید زنجانی، فقه سیاسی، حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، ص 272.

3. «سیر» جمع کلمه «سیره» در لغت به معنای رفتار و عملکرد و گردش است، اما از قرن دوم هجری به بعد دو معنای اصطلاحی یافت: در اصطلاح وقایع‌نگاران، سیره یعنی زندگی‌نامه پیامبر اکرم ﷺ و در اصطلاح حقوق‌دانان مسلمان، «سیر» به صورت جمع یعنی رفتار دولت اسلامی در روابط با دیگر جوامع و یا رفتار دولت اسلامی در امور بین‌الملل (ر.ک.: خلیلیان، حقوق بین‌الملل اسلامی، ص 59؛ حمیدالله، حقوق روابط بین‌الملل در اسلام، ج 1، ص 141).

4. حمیدالله، حقوق روابط بین‌الملل در اسلام، ص 35؛ خلیلیان، حقوق بین‌الملل اسلامی، ص 61.

5. عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج 3، ص 101.

بخشی از آن به حقوق بین‌الملل اختصاص دارد. این کتاب با عنوان *المسند للامام زید* تجدید چاپ شده است.¹ کتابهای *السير الكبير و السير الصغير* نوشته محمد بن حسن شیبانی (131-189 ه. ق.) این دو کتاب مسائل جهاد و مقررات بین‌الملل را به صورت منظم و مشروح بررسی می‌کند.

کتاب *الخلاف و المبسوط* نوشته شیخ طوسی (متوفی 460 ه. ق.) از فقهای بزرگ شیعه. با تألیف این دو کتاب فقه شیعه متحول شد. شیخ طوسی در کتاب *الخلاف تحت عناوینی چون «کتاب السیر»*² و «کتاب الجزیه»³ و در کتاب *المبسوط*، با عناوینی چون «کتاب الجهاد و سیره الامام»⁴ و... به بیان مسائل عمومی روابط بین‌الملل و فقه سیاسی پرداخته است.

با وجود این متأسفانه آثاری مستقل و مبسوط که به حقوق دیپلماتیک اسلام پرداخته باشد، بسیار اندک است. به نظر می‌رسد کهن‌ترین اثر در این باره کتاب *رسل الملوك و من يصلح للرسالة و السفارة*⁵ نوشته ابن الفراء باشد که در اواخر قرن سوم هجری نگاشته شده است.

در سالهای اخیر برخی اندیشمندان عرب گامهایی در این مسیر برداشته و پژوهشهای گران‌سنگی با موضوع دیپلماسی اسلامی پیش نهاده‌اند؛ مثل *القانون الدبلوماسی الاسلامی*،⁶ نوشته احمد ابوالوفاء؛ *السفارات فی الاسلام* نوشته محمد التابعی؛ «الدبلوماسية الاسلامیه» نوشته عبدالرحمن محمد عبدالرحمن؛ *السننظم الدبلوماسیة فی الاسلام* نوشته صلاح‌الدین المنجد. آثاری دیگر نیز به طور غیرمستقیم به این موضوع پرداخته است؛ مانند *اصول العلاقات الدولیة فی فقه الامام محمد بن الحسن الشیبانی* نوشته عثمان جمعه؛ *الاصول العامة للعلاقات الدولیة فی الاسلام وقت السلم* اثر دکتر احمد عبدالونیس شتا و *سلسله العلاقات الدولیة فی الاسلام* نوشته محمود مصطفی نادیه و دیگران.

متأسفانه در زبان فارسی آثار مرتبط با حقوق دیپلماتیک اندک است و در این میان جای خالی آثاری که به طور جامع به این موضوع از نگاه اسلام پرداخته باشند، بسیار احساس می‌شود.

این کتاب بر آن است تا ضمن بیان نقش اسلام در توسعه دیپلماسی و حقوق دیپلماتیک، برخی اصول و مقررات آن را با تکیه بر سیره نبوی استخراج و تدوین کند، به امید آنکه برای کارگزاران سیاست خارجی مفید و راه‌گشا باشد.

این کتاب مشتمل بر دو بخش است:

بخش اول که با عنوان کلیات سامان یافته است، دو فصل را دربر می‌گیرد. در فصل اول به بیان مبانی اعم از تعاریف و منابع و اصول حاکم بر روابط دیپلماتیک پرداخته و در فصل دوم تاریخچه و شرایط روابط

1. صدر، *تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام*، ص 232.

2. ج 5، ص 536-517.

3. ج 5، ص 553-536.

4. ج 2، ص 74-2.

5. صلاح‌الدین المنجد در سال 1947 این کتاب را در قاهره تصحیح و چاپ کرد و نوشین‌روان پرویز اتابکی در سال 1360 ش آن را با عنوان *سفیران به فارسی ترجمه کرد و در انتشارات آموزش اسلامی به چاپ رسید.*

6. این کتاب با ترجمه و تحقیق دکتر سیدمصطفی میرمحمدی در سازمان «سمت» به چاپ رسیده است. مترجم در ترجمه این اثر دیدگاههای فقهی شیعه را افزوده است.

دیپلماتیک را آورده‌ایم.

دستگاه دیپلماسی عنوان بخش دوم کتاب است. در فصل اول این بخش به ارکان دستگاه دیپلماسی می‌پردازیم. در این فصل به توضیحاتی درباره کارگزاران سیاست خارجی، نماینده دیپلماتیک [سفیر]، تعهدات و وظایف نمایندگان دیپلماتیک، مأموریت و نمایندگی دیپلماتیک پرداخته شده است. در فصل دوم که پایان بخش کتاب است درباره مصونیت و مزایای دیپلماتیک سخن گفته‌ایم و پس از بیان تعاریف به بررسی انواع مصونیت و مبانی پذیرش آن پرداخته‌ایم.

در فرجام سخن راهنماییهای ارزنده، مشوقانه و راهگشای آقای دکتر علیرضا دیهیم و تدوین مقدمه ارزنده برای این اثر، و همچنین زحمات آقای دکتر گودرز افتخارجهرمی را پاس می‌نهم و سپاس خود را از جناب حجة الاسلام و المسلمین دکتر سید مصطفی میرمحمدی برای یادآوریهای عالمانه‌اش ابراز می‌کنم. نیز ضمن تشکر از سازمان «سمت»، سپاسدار دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دوستان خود در دفتر پژوهش که اگر ذوق و تلاش آنان در آماده‌سازی و چاپ این کتاب نبود، داستان گونه‌ای دیگر می‌نمود.

والحمد لله رب العالمین

محمدحسین یورامینی

مقدمه

مصونیت یکی از مسائل چالشی و مهم در حقوق دیپلماتیک به شمار می‌رود، از دهه 1370 (1990) تاکنون قوانین، رویه قضایی و دکتترین ناظر بر مصونیت دو روند متضاد را شاهد بوده‌اند:

1. ضرورت حمایت از مصونیت دولتی و دیپلماتیک که یکی از اصول حقوق بین‌الملل و تأیید شده در مقررات موجود (Lex lata) است. از این رو موارد ذیل را از آنجا که متضمن واکنش متقابل و اعتراض‌آمیز کشورمان در برابر نقض این اصل بوده است می‌توان از مصادیق حمایت از اصل مصونیت دانست:

- صدور آراء بسیار زیاد در پرونده‌های متعدد در دادگاه‌های امریکا و به طور عمده در دادگاه بخش ایالت کلمبیا با مطالبهٔ میلیاردها دلار خسارات مادی، معنوی و تنبیهی به بهانهٔ انتساب شبه‌جرمهای تروریستی به مقامات و نهادهای دولتی جمهوری اسلامی ایران در دههٔ 2000، نقض قاعده عرفی مصونیت تلقی و موجب واکنش متقابل قوه مقننه¹ و محاکم ایران در صدور آراء مطالبهٔ خسارت از دولت امریکا شد.

- صدور قرارهای توقیف در پروندهٔ کذابیه آمیا (انفجار مؤسسه تعاونی اسرائیل و آرژانتین) به دستور دادستانهای آرژانتینی و تأیید آنها از سوی قاضی تحقیق علیه مقامات جمهوری اسلامی ایران و در مرحلهٔ بعد، وارد کردن اتهام علیه دولت و مقامات جمهوری اسلامی ایران به وسیله قاضی تحقیق جدید، دکتر کورال، در سال 2006 که با اعتراض پلیس جنایی بین‌المللی (اینترپل) اخطار قرمز علیه سه نفر از مقامات دولتی کشورمان یعنی رئیس‌جمهور و وزیر خارجه و سفیرمان در سال 1994 (در زمان انفجار) به استناد اصل مصونیت غیر قابل پذیرش اعلام شد.²

2. ضرورت دگرگونی و اصلاح قوانین موجود³ تا سرحد لغو مصونیت و یا توسعهٔ حیطة و قلمرو استثنای مصونیت (قانون مطلوب) (lex ferenda). از این رو تشکیل بیش از ده پروندهٔ قضایی در فاصله سال‌های 1998-2001 علیه مقامات مهم دولتی خارجی در محاکم اروپایی (از جمله علیه نخست‌وزیر اسرائیل، قذافی، فیدل کاسترو، کیسینجر، وزیر خارجهٔ وقت امریکا، رئیس‌جمهور سابق ایران، حسن هابره، رئیس‌جمهور سابق چاد، وزیر خارجهٔ جمهوری کنگو) و در امریکا علیه رئیس‌جمهور زیمبابوه و

1. تصویب قانون صلاحیت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعای مدنی علیه دولتهای خارجی مصوب 1378/8/28 و اصلاحات بعدی و آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور مصوب 1379/2/25 هیئت وزیران و بالاخره قانون جدید مجلس شورای اسلامی مصوب 1391/2/17.

2. در رأی‌گیری مجمع عمومی اینترپل (مراکش) در 7 نوامبر 2007. ایران کل اتهامات را بی‌اساس اعلام و آنها را دروغهای ساخته و بافته شده محافل صهیونیستی و امریکایی خوانده با اینکه بارها اعلام داشته است که رسیدگی قضایی و قرارهای صادر گردیده توسط دادستانهای آرژانتینی مغایر و ناقض اصل مصونیت دولتی و دیپلماتیک و تعهدات آن دولت می‌باشد. مع‌هذا برای اثبات حسن نیت خود و نشان دادن روحیه همکاری اعلام می‌داشت که قانون مجازات اسلامی به موجب ماده 6 اجازه رسیدگی به اتهامات را در مراجع قضایی ایران براساس مستندات ارائه شده اعطا کرده است.

ماده 6 قانون مجازات اسلامی ایران (مرداد 1370): هر جرمی که... و یا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می‌شوند و همچنین هر جرمی که مأموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند مرتکب گردند، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شوند.

3. و به تبع آن، لزوم رسیدگی قضایی و صدور رأی و عدم پذیرش ایراد عدم صلاحیت، به استناد اصل مصونیت که مقرر می‌دارد: هیچ دولتی براساس اصل تساوی تابع اعمال صلاحیت دولت دیگر نمی‌باشد (Par in parem non habet imperium).

رئیس‌جمهور سابق چین کمونیست،¹ مصادیق قضایی به چالش کشاندن اصل مصونیت مقامات دولت خارجی در محاکم داخلی‌اند.

با بررسی این دیدگاهها از نگاه جمهوری اسلامی ایران، وظیفه کمیسیون حقوق بین‌الملل باید انتخاب کدام گزینه باشد؟ تلاش برای حمایت از اصل مصونیت از جمله از راه مکتوب کردن قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در این زمینه و یا دفاع از تحول آن؟

از یکسو در جهان کنونی که سیل اتهامات ناروا و پرونده‌های ظالمانه علیه کشورمان مفتوح و همچنان در حال تشکیل است، آن هم با تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور مادی و حیثیتی، مصلحت ما در حمایت از اصل مصونیت نهفته است؛ با توجه به اینکه قانون اساسی ما برای هیچ‌کس مصونیتی در قبال ارتکاب جرم قائل نشده است. در این میان شگفت‌انگیز نیست بگوییم که آراء محاکم امریکایی سیاسی بوده‌اند، چراکه نسبت به پرونده‌های مربوط به مقامات برجسته دیگر کشورها، آنجا که به کشور خودمان مربوط می‌شود به عدم پذیرش اصل مصونیت استناد می‌شود، اما آنجا که به رژیم اسرائیل مربوط می‌گردد از پذیرش اصل مصونیت سیاسی حمایت می‌شود. بنابراین تردیدی وجود ندارد که آراء دادگاههای آنها علیه مسئولان دولتی ایران، آن هم با مقرر کردن مجازاتهای چند صد میلیون دلاری از بابت خسارات تنبیهی - علاوه بر خسارات مادی و معنوی - برای هر پرونده و یا به اصطلاح کیفرخواستِ دادستانهای آرژانتینی و موافقت قاضی تحقیق در پرونده انفجار آمیا (مؤسسه تعاونی اسرائیل و آرژانتین) آراء سیاسی بوده و نه حقوقی.

بنابراین، این‌گونه آراء نمی‌توانند پایه شکل‌گیری قاعده عرفی و رویه قضایی بین‌المللی و به اصطلاح به عنوان عرف بین‌الملل شناسایی و اعلام شوند.

البته این پرسش درست است که چگونه می‌توان از حیث اعمال صلاحیت محاکم خارجی «ونه بین‌المللی» بین قواعد انتساب مسئولیت دولتی با مصونیت دولتی که متضمن نوعی عدم مسئولیت رفتاری است، تعادل برقرار کرد؟ مثلاً بگوییم اعمال تصدی (acta jure gestionis) در محاکم ملی مشمول اعمال قاعده مسئولیت دولتی است. یا اینکه بگوییم چنانچه اعمالی از مصادیق اعمال حاکمیت دولتی تلقی شوند، آن را مشمول مبنای مادی مصونیت می‌شناسیم یا بگوییم فقط در خصوص ارتکاب جنایت شدید بین‌المللی اصل مصونیت اجرا نخواهد شد. زیرا چگونه می‌توان بی‌تفاوتی و بی‌کیفری را نسبت به جنایات زورگویان بین‌المللی، به ویژه سران اسرائیل، در مواجهه با حقوق بنیادین مظلومان فلسطینی توجیه کرد؟ آنهایی که مصداق واقعی آیه *إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ... وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً* (مجازات کسانی که... در فسادانگیزی در زمین می‌کوشند) هستند.²

اما از طرف دیگر چگونه می‌توان نسبت به اجرای محاکمه منصفانه در رسیدگیهای قضایی داخلی در پرونده جرایم و جنایات فاحش، آن هم در جهان سخت سیاسی کنونی، اطمینان حاصل کرد؟ در صورت لغو یا عدم اعمال اصل مصونیت چه تضمینهای بین‌المللی برای اجرای عدالت و یا عدم ایجاد تنش در روابط بین‌المللی وجود دارد؟

1. در روسیه نیز همین روند آغاز شد. اما در سال 2005 دادستان کل روسیه سفر نخست وزیر وقت اوکراین را به دلیل مصونیت دولتی بلامانع اعلام کرد.

2. مانده/33.

واقعیت مهم اینجاست که نمی‌توان تأثیر منافع ملی را بر قواعد آیین‌نامه‌های شکلی و ماهوی حتی از حیث اعمال صلاحیت کیفری مراجع بین‌المللی و نه داخلی نادیده گرفت؛ برای مثال در حالی که ماده 27 اساسنامه دیوان کیفری اصل عدم تأثیر سِمَت رسمی بر صلاحیت دیوان را تأیید می‌کند، ماده 16 اساسنامه استثنای مصونیت را بنا به قطعنامه شورای امنیت در اجرای فصل هفتم منشور یعنی زمانی که صلح و امنیت بین‌المللی مورد تهدید یا نقض قرار گیرد، برای مدت 12 ماه قابل تمدید می‌داند و بدون محدودیت می‌پذیرد: «چنانچه قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت در اجرای فصل 7 منشور ملل متحد صادر شود و از دیوان درخواست شود تا تحقیق یا تعقیبی را معلق نماید، هیچ تحقیق یا تعقیبی به موجب این اساسنامه نمی‌تواند به مدت 12 ماه شروع شود یا ادامه یابد. این درخواست به موجب همان شرایط قابل تجدید توسط شورای امنیت می‌باشد».

این ماده علی‌رغم مخالفت کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با فشار آمریکا در اساسنامه درج شد. ماده‌ای که مغایر استقلال قضایی دیوان است.

امریکا از موضع منافع ملی همین فشار را بر شورای امنیت وارد ساخت تا از آن طریق دیوان را مجبور کند مصونیت قضایی نیروهای حافظ صلح را که از کشورش تشکیل شده بود، تحت عنوان اینکه آمریکا عضو دیوان نمی‌باشد، محترم بشمارد.¹

در سالهای 2002-2005 آمریکا فراتر از این رفت و با تحمیل بسیاری از موافقت‌نامه‌های دوجانبه و تهدید کشورهایی که حاضر به امضا نبودند، موافقت‌نامه‌هایی را با کشورهای آسیایی، آفریقایی، اروپایی و آمریکای لاتین منعقد کرد که به موجب آنها تحویل (یا استرداد) اتباع آمریکایی، پرسنل نظامی، مقامات پیشین یا کنونی دولت آمریکا به دیوان کیفری منع گردید.²

کتاب *اسلام و حقوق دیپلماتیک* نوشته برادر عزیز آقای محمدحسین پورامینی می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد؛ به ویژه که پژوهشگر توانسته است کتابی را به رشته تحریر درآورد که در بررسی حقوق دیپلماتیک از منابع اسلامی به طور مستوفی بهره جسته و در این زمینه از جمله اولین آثار است. نگارنده این سطور به خوبی واقف است که جمع‌آوری این‌گونه منابع تا چه حد زحمت‌افزا و در برخی مواقع طاقت‌فرساست و خوشحالم که اینک این تلاش به ثمر رسیده و به زیور طبع آراسته شده است. با این آرزو که مقایسه و تطبیق دیدگاه‌های حقوقی غرب با اسلام انگیزه محققان اسلامی را برای حضور فعال در مراجع و محافل مسئول تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل بیش از پیش فزونی بخشد.

والسلام علی من اتبع الهدی

علیرضا دیهیم

1. ر. ک.:: چهار مقاله برگزیده از همایش استرداد مجرمین، علیرضا دیهیم، «نقش سازمانهای بین‌المللی در استرداد مجرمین»، ص 33-34، پلیس بین‌الملل ناچا، 1388ش؛ سخنرانی نگارنده در سال 1386 در دانشگاه علوم انتظامی و مجله حقوقی مرکز حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره 32، مقاله استان کارستن، 1384ش.

2. ر. ک.:: مقاله اینجانب در مجله انگلیسی سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه و گزارش نگارنده در: *Yearbook of the Asian African Legal Consultative Organization (AALCO)*, vol. II (2004), pp. 201-202 & 213-214.

آغاز سخن

ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی یکی از حوادث مهم تاریخی به شمار می‌آید؛ چراکه رسالت خویش را جهانی معرفی کرد و هدایت بشریت به سوی حق را عهده‌دار شد. از این رو در نظام حقوقی اسلام روابط دیپلماسی و حقوق دیپلماتیک جایگاهی ویژه می‌یابد، تا آنجا که سفارت و اصل دیپلماسی از مهم‌ترین آموزه‌های دینی و الهی به شمار می‌رود.

بدون شک پیامبران در مقام سفیران الهی در تمدن‌آفرینی، توسعه روابط اجتماعی و بین‌المللی و ترویج فرهنگ عدالت‌خواهی نقشی برجسته داشته‌اند: **لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**.¹

دیپلماسی در حکومت نبوی تجلی خاصی دارد. منظور از دیپلماسی پیامبر ﷺ - که آخرین سفیر الهی است - فعالیتها و اقداماتی است که ایشان در جایگاه رئیس حکومت اسلامی و نیز سفیران برگزیده با هدف تحقق خط‌مشیهای کلی دولت اسلامی در عرصه روابط بین‌الملل انجام داده است. در حقیقت اهداف عالی و خطوط کلی سیاست اسلام و منافع امت اسلامی، دیپلماسی پیامبر ﷺ را جهت می‌بخشید.²

رسول اکرم ﷺ در مدت رسالت و حکومت خویش، سفیرانی را نزد سران دیگر کشورها فرستاد و سفیرانی را از کشورهای دیگر به حضور پذیرفت. وی در اعزام و پذیرش سفیر تشریفات خاصی را رعایت می‌کرد. بدون شک سیره آن حضرت در روابط بین‌الملل و حقوق دیپلماتیک نکاتی ارزنده و الهام‌بخش را یادآور می‌شود.

اسلام در روابط بین‌الملل اصول و مقرراتی گسترده دارد. از این رو فقیهان اسلامی در آثار فقهی خویش در ابوابی چون «کتاب الجهاد» و یا در کتبی با عنوان «سیر»³ به بیان این اصول پرداخته‌اند. بخشی از این آثار که در سده‌های آغازین نگاشته شده، عبارت است از:

کتاب الخراج نوشته قاضی ابویوسف (113-182 ه. ق). بسیاری از نویسندگان او را نخستین فقهی می‌دانند که به تدوین فقه سیاسی پرداخت.⁴

کتاب المجموع نوشته زید بن علی (شهادت 122 ه. ق). این کتاب دومین کتاب فقهی سیاسی است⁵ که

1. حدید/25: «به راستی (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و میزان سنجش را فرستادیم تا مردم به عدالت قیام کنند».

2. ر.ک.: عمید زنجانی، فقه سیاسی، حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، ص 272.

3. «سیر» جمع کلمه «سیره» در لغت به معنای رفتار و عملکرد و گردش است، اما از قرن دوم هجری به بعد دو معنای اصطلاحی یافت: در اصطلاح وقایع‌نگاران، سیره یعنی زندگی‌نامه پیامبر اکرم ﷺ و در اصطلاح حقوق‌دانان مسلمان، «سیر» به صورت جمع یعنی رفتار دولت اسلامی در روابط با دیگر جوامع و یا رفتار دولت اسلامی در امور بین‌الملل (ر.ک.: خلیلیان، حقوق بین‌الملل اسلامی، ص 59؛ حمیدالله، حقوق روابط بین‌الملل در اسلام، ج 1، ص 141).

4. حمیدالله، حقوق روابط بین‌الملل در اسلام، ص 35؛ خلیلیان، حقوق بین‌الملل اسلامی، ص 61.

5. عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج 3، ص 101.

بخشی از آن به حقوق بین‌الملل اختصاص دارد. این کتاب با عنوان *المسند للامام زید* تجدید چاپ شده است.¹ کتابهای *السير الكبير و السير الصغير* نوشته محمد بن حسن شیبانی (131-189 ه. ق.) این دو کتاب مسائل جهاد و مقررات بین‌الملل را به صورت منظم و مشروح بررسی می‌کند.

کتاب *الخلاف و المبسوط* نوشته شیخ طوسی (متوفی 460 ه. ق.) از فقهای بزرگ شیعه. با تألیف این دو کتاب فقه شیعه متحول شد. شیخ طوسی در کتاب *الخلاف تحت عناوینی چون «کتاب السیر»*² و «کتاب الجزیه»³ و در کتاب *المبسوط*، با عناوینی چون «کتاب الجهاد و سیره الامام»⁴ و... به بیان مسائل عمومی روابط بین‌الملل و فقه سیاسی پرداخته است.

با وجود این متأسفانه آثاری مستقل و مبسوط که به حقوق دیپلماتیک اسلام پرداخته باشد، بسیار اندک است. به نظر می‌رسد کهن‌ترین اثر در این باره کتاب *رسل الملوك و من يصلح للرسالة و السفارة*⁵ نوشته ابن الفراء باشد که در اواخر قرن سوم هجری نگاشته شده است.

در سالهای اخیر برخی اندیشمندان عرب گامهایی در این مسیر برداشته و پژوهشهای گران‌سنگی با موضوع دیپلماسی اسلامی پیش نهاده‌اند؛ مثل *القانون الدبلوماسی الاسلامی*،⁶ نوشته احمد ابوالوفاء؛ *السفارات فی الاسلام* نوشته محمد التابعی؛ «الدبلوماسية الاسلامیه» نوشته عبدالرحمن محمد عبدالرحمن؛ *السننظم الدبلوماسية فی الاسلام* نوشته صلاح‌الدین المنجد. آثاری دیگر نیز به طور غیرمستقیم به این موضوع پرداخته است؛ مانند *اصول العلاقات الدولیه فی فقه الامام محمد بن الحسن الشیبانی* نوشته عثمان جمعه؛ *الاصول العامه للعلاقات الدولیه فی الاسلام وقت السلم* اثر دکتر احمد عبدالونیس شتا و *سلسله العلاقات الدولیه فی الاسلام* نوشته محمود مصطفی نادیه و دیگران.

متأسفانه در زبان فارسی آثار مرتبط با حقوق دیپلماتیک اندک است و در این میان جای خالی آثاری که به طور جامع به این موضوع از نگاه اسلام پرداخته باشند، بسیار احساس می‌شود.

این کتاب بر آن است تا ضمن بیان نقش اسلام در توسعه دیپلماسی و حقوق دیپلماتیک، برخی اصول و مقررات آن را با تکیه بر سیره نبوی استخراج و تدوین کند، به امید آنکه برای کارگزاران سیاست خارجی مفید و راه‌گشا باشد.

این کتاب مشتمل بر دو بخش است:

بخش اول که با عنوان کلیات سامان یافته است، دو فصل را دربر می‌گیرد. در فصل اول به بیان مبانی اعم از تعاریف و منابع و اصول حاکم بر روابط دیپلماتیک پرداخته و در فصل دوم تاریخچه و شرایط روابط

1. صدر، *تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام*، ص 232.

2. ج 5، ص 536-517.

3. ج 5، ص 553-536.

4. ج 2، ص 74-2.

5. صلاح‌الدین المنجد در سال 1947 این کتاب را در قاهره تصحیح و چاپ کرد و نوشین‌روان پرویز اتابکی در سال 1360ش آن را با عنوان *سفیران به فارسی ترجمه کرد و در انتشارات آموزش اسلامی به چاپ رسید.*

6. این کتاب با ترجمه و تحقیق دکتر سیدمصطفی میرمحمدی در سازمان «سمت» به چاپ رسیده است. مترجم در ترجمه این اثر دیدگاههای فقهی شیعه را افزوده است.

دیپلماتیک را آورده‌ایم.

دستگاه دیپلماسی عنوان بخش دوم کتاب است. در فصل اول این بخش به ارکان دستگاه دیپلماسی می‌پردازیم. در این فصل به توضیحاتی درباره کارگزاران سیاست خارجی، نماینده دیپلماتیک [سفیر]، تعهدات و وظایف نمایندگان دیپلماتیک، مأموریت و نمایندگی دیپلماتیک پرداخته شده است. در فصل دوم که پایان بخش کتاب است درباره مصونیت و مزایای دیپلماتیک سخن گفته‌ایم و پس از بیان تعاریف به بررسی انواع مصونیت و مبانی پذیرش آن پرداخته‌ایم.

در فرجام سخن راهنماییهای ارزنده، مشوقانه و راهگشای آقای دکتر علیرضا دیهیم و تدوین مقدمه ارزنده برای این اثر، و همچنین زحمات آقای دکتر گودرز افتخارجهرمی را پاس می‌نهم و سپاس خود را از جناب حجة الاسلام و المسلمین دکتر سید مصطفی میرمحمدی برای یادآوریهای عالمانه‌اش ابراز می‌کنم. نیز ضمن تشکر از سازمان «سمت»، سپاسدار دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دوستان خود در دفتر پژوهش که اگر ذوق و تلاش آنان در آماده‌سازی و چاپ این کتاب نبود، داستان گونه‌ای دیگر می‌نمود.

والحمد لله رب العالمین

محمدحسین یورامینی